

داستان ۲ جلسه ۸ (ترم ۲)

" خانم بلوند و وکیل "

یه خانم بلوند و یه وکیل توی هواپیما کنار هم نشستند. وکیل از اون خواست که یه بازی رو باهاش اجرا کنه. در حقیقت بخاطر استخدام، وکیل از طرف کارخونه اش انتخاب شده بود که این بازی رو انجام بده و دختر رو تست کنه. وکیل گفت " اگه ازم سوالی بپرسی که من جوابشو بلد نباشم، ۵۰ دلار بهت میدم و اگه من ازت سوالی بپرسم که من جوابشو ندونی، ۵ دلار بهم میدی ". اول خانم بلوند یه سوال از وکیل پرسید که جوابشو ندانست و وکیل ۵۰ دلار بهش داد. بعدش وکیل اولین سوالش رو از دختر بلوند پرسید " فاصله بین زمین و نزدیک ترین ستاره چقدره؟ ". بدون هیچ حرفی خانم بلوند ۵ دلار بهش داد. بعدش خانم بلوند ازش پرسید " چه حیوانی با چهار پا از تپه بالا میره و با سه پا میاد پایین؟ " وکیل دربارش فکر کرد و سرانجام بیخیال شد و ۵۰ دلار به خانم بلوند داد. چون سوالا میتونستند درباره هر موضوعی در نظر گرفته بشن، وکیل سوال بعدش رو پرسید " جواب سوالی که از من پرسیدی چیه؟ ". خانم بلوند فوراً ۵ دلار بهش داد.

“ blonde girl and lawyer ”

A blonde girl and a lawyer sat next to each other on a plane. The lawyer asked her to play a game.

In fact because of employing, the lawyer was chosen by his factory to do this game and test the girl. The lawyer said “If you ask me a question that I don't know the answer, I'll pay you 50 dollars and If I ask you a question that you don't know the answer, you'll pay me 5 dollars”. At first the blonde asked the lawyer a question that he didn't know the answer and the lawyer had to pay her 50 dollars.

Then the lawyer asked the blonde his first question, "What is the distance between the Earth and the nearest star?" Without a word the blonde paid the lawyer 5 dollars.

The blonde then asked him, "What animal goes up a hill with four legs and (what animal goes) down (a hill) with three (legs)?" The lawyer thought about it, but finally gave up and paid the blonde 50 dollars.

Because the questions could be considered about any topic, he asked the next question:

“ what is answer of the question that you asked me?” The blonde immediately paid him 5 dollars.